

روزشمار جنگ

جمعه

۳۱ مرداد ۱۳۵۹

۱۱ شوال ۱۴۰۰

۲۲ اوت ۱۹۸۰

۳۳۱

در ادامهٔ تجاوزات و حملات عراق به پاسگاه‌های مرزی ایران، امروز در منطقهٔ عمومی قصرشیرین، ارتش عراق و مهاجمان ضدانقلاب داخلی در یک عملیات مشترک، با نیروهای ایرانی درگیر شدند. گزارش خبرنگار کیهان در قصرشیرین از جزئیات این درگیری‌ها چنین است: «مهاجمین مسلح [ضدانقلاب] با پشتیبانی ارتش بعث امروز از ساعت ۶/۵ تا ۷/۵ عصر، تنگ‌هوان را زیر آتش خود قرار دادند و پس از یک ساعت درگیری شدید با سپاه پاسداران مستقر در این منطقه، با دادن تعدادی زخمی عقب‌نشینی کردند و ۲ نفر از دیدبانان ایرانی را مجروح ساختند که یکی از آنها یک افسر ارتش و دیگری از پاسداران مستقر در منطقه بود.» بنا به همین گزارش: «مهاجمین این درگیری را در ساعت ۹ شب به تله‌کوه کشانیدند و با خمپاره ۱۲۰ میلی‌متری و پشتیبانی توپخانهٔ ارتش بعث مستقر در چارکلاو [عراق] این منطقه را زیر آتش قرار دادند که تا ساعت ۱۲ شب ادامه داشت. مهاجمین در این منطقه با به‌جای گذاشتن مقدار زیادی گلوله‌های خمپاره، آر.پی.جی. ۷ و خشاب اسلحه‌های مختلف، سنگرهای خود را ترک کردند.»^(۱)

همچنین، یک خبر از استانداری سندج حاکی است که «تعدادی هواپیما و هلیکوپتر در ارتفاع بالا در غرب کشور (سندج - کرمانشاه) مشاهده شده.» در این گزارش دستور داده شده اقدامات لازم در این مورد انجام شود.^(۲) از سوی دیگر، با توجه به تحرکات اخیر عراق و عوامل داخلی وابسته به آن، فرماندهی سپاه از کلیه واحدهای تابعهٔ خود در مناطق غرب و نیز استان خوزستان خواسته است که نیروهای خود را در حالت آماده‌باش درجه یک قرار دهند.^(۳)

۳۳۲

هم‌زمان با تحرکات و حملات مرزی عراق، عوامل داخلی وابسته به این رژیم، هنوز به فعالیت‌های خود در قالب جاسوسی، تخریب و انفجار خطوط لوله‌های نفت و گاز و حمل سلاح از عراق به شهرهای مرزی خوزستان ادامه می‌دهند.

بنا به گزارش پاسگاه ژاندارمری بهمن شیر آبادان ساعت ۲۴ امروز، صدای انفجاری در فاصله ده کیلومتری پاسگاه مزبور شنیده شده است؛ پس از ورود مأموران به محل، معلوم شد که ۲ الی ۳ رشته از خطوط لوله گاز در مسیر جاده آبادان - ماهشهر بر اثر انفجار بمب دچار آتش سوزی شدیدی شده است.^(۴)

همچنین، ساعت ۴ بعدازظهر امروز، دو نفر از اعضای گروه تحقیق ستاد عشایر - که از مأموریت خرمشهر برمی گشتند - در طول بازار سپه به موتورسیکلتی با دو سرنشین مشکوک می شوند. این افراد پس از درگیری با اعضای گروه تحقیق، ۳ قبضه اسلحه کلاشینکف با ۷ خشاب پر و ۱۰۸ فشنگ کلاشینکف بدون خشاب را به زمین پرتاب کرده، متواری می شوند. این گزارش حاکی است که روی یکی از اسلحه ها شماره ارتش عراق موجود است.^(۵)

از سوی دیگر، در ادامه مبارزه با عوامل داخلی مسلح وابسته به عراق، دادرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر امروز اطلاعیه ای درباره خلع سلاح عمومی مناطق هم جوار مرزی صادر کرد. در این اطلاعیه آمده است: «به کلیه دارندگان اسلحه در آبادان و حومه خرمشهر، ماهشهر، شادگان، جزیره مینو، اروندکنار، دارخوین و کلیه روستاهای تابعه اعلام می شود که از تاریخ شنبه اول شهریور تا دوشنبه ۱۰ شهریورماه، می توانند اسلحه خود را به دادگاه انقلاب اسلامی آبادان تحویل دهند و در این صورت مورد عفو قرار خواهند گرفت. ضمناً در صورتی که پس از انقضای مهلت تعیین شده از کسی اسلحه غیرمجاز کشف شود به شدیدترین وجه مجازات خواهد شد.»^(۶)

۳۳۳

در پی درگیری های هفته های گذشته، به ویژه درگیری شدید دیشب هواداران مجاهدین خلق (منافقین) و دیگر گروه های چپ با گروهی از مردم در آبادان و نیز حوادث امروز خرمشهر، این دو شهر در وضعیتی ملتهب به سر می برند.

امروز در خطبه اول نماز جمعه آبادان - که در محل دانشکده نفت این شهر برگزار شد - حجت الاسلام غلامحسین جمی با اشاره به درگیری شب گذشته که به شهادت یک تن و زخمی شدن عده ای انجامید، گفت: «باید دید این درگیری ها علتش در کجاست. آنهایی که اعلامیه به نام خدا و به نام خلق صادر می کنند، دروغ است؛ اینها نه به خدا کاری دارند نه به خلق. اگر اعتقاد داشتند، این درگیری ها به وجود نمی آمد. این درگیری ها مجرد نیست و استقلال ندارد؛ در رابطه با مسائلی است که باید دقت شود؛ اینها در رابطه با شیطان بزرگ امریکا است.»

جمی در همین خطبه افزود: «هم زمان با توسعه های دشمن خارجی که باید پاسداران ما برای حفاظت از مرزها آماده باشند عوامل آنها این مسائل را در آبادان و خرمشهر به وجود می آورند تا پاسداران ما را مشغول درگیری داخلی کنند، تا دشمن خارجی نفوذ کند.»

امام جمعه آبادان سپس خطاب به مردم گفت: «شما نباید اجازه بدهید اینها به نام خلق دکه بگذارند؛ موظف هستید دفترهای آنها را برچینید و آنها را به سوراخ‌هایشان بفرستید تا دیگر سر در نیاورند. ...»*

امام جمعه آبادان همچنین در دومین خطبه نماز درباره موضع‌گیری‌های غلط دولت عراق در برابر انقلاب صحبت کرد.^(۷)

همچنین، خبرگزاری پارس در گزارشی از درگیری امروز هواداران سازمان مجاهدین خلق (منافقین) با اعضای انجمن اسلامی در خرمشهر خبر داد. بنا به این گزارش: «سازمان مجاهدین خلق ایران [منافقین] بار دیگر دست به تحریکات تازه‌ای زدند و ۱۰ تن از هواداران این سازمان بر اثر مشاجره با گروهی از اعضای انجمن اسلامی خرمشهر به وسیله سپاه پاسداران دستگیر شدند. سخنگوی سپاه پاسداران خرمشهر امروز گزارش داد که مشاجره لفظی میان دستگیرشدگان و اعضای انجمن اسلامی خرمشهر هنگامی روی داد که دو طرف هم‌زمان نمایشگاهی از عکس و پوستر در جوار هم برپا کردند. اعضای انجمن اسلامی عکسی از امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار [بنیان‌گذار] جمهوری اسلامی ایران را بر روی یکی از پایه‌های برق بین دو نمایشگاه نصب کردند که این عمل با اعتراض طرف‌داران سازمان مجاهدین خلق [منافقین] روبه‌رو شد و آنها با اعضای انجمن اسلامی به‌طور لفظی درگیر شدند.» سخنگوی سپاه پاسداران خرمشهر افزود: «به‌رغم ممنوعیت فعالیت‌های گروه‌های سیاسی، طرف‌داران سازمان مجاهدین [منافقین] علاوه بر این تحریکات، به عده‌ای از دختران عضو این سازمان مأموریت دادند که به‌عنوان اعتراض نسبت به دستگیری دو تن از اعضای سازمان، در برابر مقر سپاه پاسداران در خرمشهر متحصن بشوند.» وی همچنین گفت: «چون سپاه پاسداران مستقیماً مایل نبود با اعضای سازمان مجاهدین [منافقین] درگیر شود، از مردم خرمشهر استمداد کرد و قبل از رسیدن مردم، متحصنین محل تجمع خود را ترک گفتند.»^(۸)

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی نیز در مورد ماجراهای امروز خرمشهر، در گزارش خود چنین آورده است: «در روز جمعه ۱۳۵۹/۵/۳۱، تعدادی زن و مرد و دختر و پسر از چریک‌های فدایی خلق و گروه‌های دیگر ساختمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خرمشهر را محاصره و قصد تسخیر محل را داشتند که رادیو مرتباً با پخش اعلامیه از مردم جهت متفرق کردن این گروه‌ها کمک می‌خواست. که جریان بدون درگیری خاتمه یافت.» در پایان

* این‌گونه موضع‌گیری ریشه در شناخت قبلی و اساسی امام‌جمعه آبادان از وضعیت و فضای سیاسی شهر و نیز چگونگی و میزان مشروعیت رفتارهای جاری دارد. برای درک بهتر فضای آن دوران مطالعه ضمیمه این گزارش با پاورقی‌ها و توضیحات می‌تواند مفید باشد. این ضمیمه گزارشی از خبرگزاری پارس است درباره مرور وضعیت گروه‌های سیاسی در آبادان بعد از انقلاب تا چند ماه پس از آغاز جنگ.

این گزارش آمده است: «در حال حاضر کلیه شهرهای خوزستان و خصوصاً آبادان و خرمشهر به یک حالت خطرناکی رسیده و هر آن احتمال درگیری سختی پیش‌بینی می‌شود.»^(۹)

از سوی دیگر، به دنبال اعلامیه دیروز دادستان انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر مبنی بر ممنوع بودن فعالیت چند گروه و سازمان سیاسی از جمله حزب توده، شاخه این حزب در آبادان در نامه‌ای خطاب به ریاست دادسرای انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر، ضمن تأسف بار خواندن حوادث شب گذشته و امروز در آبادان و خرمشهر، هواداران حزب توده را از دست داشتن در این حوادث مبرا دانست و به این حکم در مورد سازمان خود شدیداً اعتراض کرد.^(۱۰)

حزب توده - سازمان شهرستان خرمشهر نیز، در نامه‌ای به ریاست دادگاه انقلاب اسلامی آبادان و خرمشهر و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خرمشهر، به تصرف و تخریب اموال موجود در دفتر این حزب در خرمشهر، شدیداً اعتراض کرده و خواستار رسیدگی به این مسئله و دستگیری عوامل آن شده است.^(۱۱)

۳۳۴

علاوه بر تیرباران ۳ تن از پاسداران به دست افراد گروه ضدانقلابی کومه‌له، درگیری و زدوخورد در مناطق کردنشین، به خصوص در نقده، مهاباد، اشنویه، اطراف میاندوآب و نیز جوانرود، چشمگیر و با خسارت‌هایی همراه بود.

بنا به گزارش ستاد مشترک ارتش، همچون شب‌های گذشته: «در ساعت ۲ بامداد امروز نیز پاسگاه شیطان‌آباد نقده مورد حمله ضدانقلابیون قرار گرفت که بلافاصله به وسیله مأموران به آتش آنان پاسخ داده شد و مهاجمین متواری گردیدند.» این گزارش در پایان می‌افزاید: «مهاجمین با استقرار پایگاه در "دره قاسملو" و کنترل ارتفاعات و راه عبوری "ناناس" همه شب به پاسگاه یادشده تیراندازی می‌نمایند.»^(۱۲)

در بخش تکاب نیز بعد از ظهر امروز در درگیری بین پاسداران و افراد مسلح غیرقانونی در حوالی گردنه (پل) "ساروق"، واقع در ده کیلومتری غرب تکاب، ۲ نفر از پاسداران به نام "بهزاد اسدی" و "تبریزی" به شهادت رسیدند.^(۱۳)

در این حال، با توجه به وضعیت عمومی مناطق اطراف ارومیه، به ویژه مهاباد، به دستور فرمانده سپاه مرکز، کلیه نیروهای تابع سپاه در غرب کشور به حالت آماده‌باش درآمده‌اند. ضمناً در این حکم، از سپاه مهاباد خواسته شده که سریعاً به پادگان مهاباد انتقال یابد.^(۱۴) در همین خصوص، فرمانده سپاه ارومیه نیز در تلفنگرامی از سپاه مرکز برای شروع عملیات در مهاباد درخواست ۴۰۰ نفر نیروی پاسدار کرده است.^(۱۵)

از منطقه مریوان نیز خبر می‌رسد که امروز در ده "درزیان" درگیری دیگری با مهاجمان ضدانقلاب روی داد که در آن ۲ نفر از مهاجمان کشته، ۵ نفر زخمی و ۸ نفر اسیر شدند. یک پاسدار نیز به شهادت رسید.^(۱۶)

اما خونین‌ترین حادثه، که نبود امکانات در آن مؤثر شمرده شد، ساعت ۹ صبح امروز در عملیات کمین افراد کومه‌له، در منطقه جوانرود رخ داد. گزارش ستاد عملیات غرب کشور در این مورد حاکی است: «در بین راه خانشور به وانی سر بین برادران [پاسدار] و ضدانقلابیون درگیری به وجود آمد. در اثر حمله مهاجمین به آمبولانس حامل افراد سپاه، ۸ تن از برادران پاسدار به شهادت رسیدند. یکی از پاسداران نیز که به اسارت مهاجمین درآمده بود، موفق به فرار شد. ضمناً یک پاسدار دیگر نیز به اسارت مهاجمین درآمد.»^(۱۷) ناصر کاظمی، فرماندار اورامانات و مسئول سپاه پاسداران پاوه، مسئولیت شهادت این افراد را به عهده مسئولان دانست و گفت: «اگر مسئولین امکانات لازم را در اختیار پاسداران بگذارند چنین اتفاقی هرگز نمی‌افتاد.» وی همچنین افزود: «افرادی که شهید شدند در یک آمبولانس از مأموریت بازمی‌گشتند که در بین راه مورد هجوم مهاجمین قرار گرفتند و ناجوانمردانه شهید شدند.» کاظمی ادامه داد: «اگر یک اتومبیل جیب روباز در اختیار برادران پاسدار بود آنها می‌توانستند بلافاصله از ماشین پایین آمده و از خود دفاع کنند، ولی داخل آمبولانس این امکان وجود نداشت و به محض برخورد آر.پی.جی ۷ آمبولانس آتش گرفت.»^(۱۸)

همچنین، امروز افراد کومه‌له ۳ تن از پاسداران به نام‌های فرهاد هژبری، خلیل باکو و بهادران شهرستانی را که در اسارت این گروه بودند، تیرباران کردند.^(۱۹)

۳۳۵

در کنار عملیات و درگیری‌های پراکنده و جنگ‌وگریز گروه‌های مسلح معارض با نظام، تحرکات این گروه‌ها در مناطق مختلف کردنشین، با حمایت بیشتر و آشکارتر دولت عراق همچنان ادامه دارد. در این زمینه گزارش امروز مرکز فرماندهی سپاه حاکی است: «لشکر عراق آماده‌باش داده. در ضمن خبر ۳۰ هواپیمایی که می‌خواهند به ایران حمله کنند، مجدداً تأیید می‌شود.» این گزارش می‌افزاید: «عده زیادی در اطراف نوسود و دوآب، ضمن سنگرگیری در کوه‌ها خمپاره نیز کار گذاشته‌اند و هواپیماهای عراقی مهمات و آذوقه به آنها می‌رسانند و نیروهای عراقی قصد پیاده‌شدن در پنگانه را دارند.»^(۲۰) حتی وضعیت عمومی مناطق غرب کشور نگرانی

* Darziyan, درزیان: دهی از دهستان بالک بخش مریوان شهرستان سنندج، واقع در ۱۱ کیلومتری دژ شاهپور و ۳ کیلومتری شرق راه اتومبیل‌رو مریوان به رزآب. ر.ک: فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادی‌ها)، جلد ۵، از انتشارات سازمان جغرافیایی کشور.

فرماندهی سپاه مرکز را بیش از این برانگیخته، به طوری که امروز در پیام دیگری آورده است: «گروه‌های سیاسی به پشتیبانی نیروهای خارجی قصد یک حمله وسیع علیه ایران را دارند و از طریق مناطق ماکو، سلماس، شاهین‌دژ، تکاب، سراب، زنجان تا قصرشیرین و ایلام این کار را می‌خواهند عملی کنند. موقع این طرح در اواخر مرداد و اوایل شهریورماه می‌باشد.»^(۲۱)

در این میان، سپاه غرب کشور در پیام امروز خود به فرماندهی مرکز سپاه، وضعیت تحرکات و اقدامات کلی گروه‌های مسلح ضدانقلاب با حمایت عراق را چنین بیان کرده است: «عراق نقاط ضعف ما را بیشتر در نقاط سردشت و پیرانشهر یافته است. اخبار رسیده حاکی است حرکت نیروهای مهاجم از پیرانشهر به سمت نقده و ارومیه و اشنویه، و نیز از سردشت به طرف بانه می‌باشد.» در ادامه همین گزارش با اشاره به حملات و درگیری‌های شب گذشته و امروز در مناطق مریوان، پادگان سردشت و نیز منطقه جوانرود آمده است: «این اخبار حاکی از حمله وسیع عراق با همراهی نیروهای مهاجم می‌باشد و اگر با بسیج مردم و نیروهای ذخیره ارتش به کمک نشناید وضع از این هم بدتر خواهد شد.»^(۲۲) ستاد مشترک ارتش نیز در پاسخ به این درخواست مقرر داشت: «یک دوره احضار و دوره‌های بعدی آماده احضار باشند و مراتب به وزارت دفاع ملی اعلام گردد.»^(۲۳)

ستاد مشترک ارتش نیز خطاب به کلیه نیروهای تابعه خود، با اشاره به تحرکات ارتش عراق، وضعیت مناطق غرب و جنوب غرب را چنین توصیف کرده است: «ارتش عراق اقدام به تعرض محلی یا محدود یا گسترده در مرزهای کشور می‌نماید. باتوجه به تجمع ۲۰۰۰ نفر مسلح از متواریان و ضدانقلابیون در منطقه پیرانشهر، ممکن است به طور هم‌زمان از طریق اشنویه به نقده حمله و پس از قطع راه ارتباطی ارومیه به جلدیان، نوسود و پیرانشهر، به نیروهای مزبور حمله نمایند.» در ادامه این گزارش آمده است: «عملیاتی نظیر بندهای فوق در استان‌های کرمانشاه، ایلام، خوزستان و کردستان محتمل است. [لذا] دستور فرمایید: الف) یگان‌های تابعه آماده اجرای طرح‌های پدافند بوده تا ضمن در دست داشتن ابتکار عملیات، از غافلگیری جلوگیری و امکان واکنش سریع در مقابل هر نوع عملیات احتمالی فراهم گردد. ب) در مورد حفاظت انبار مهمات، اماکن و تأسیسات مهم و حساس پیش‌بینی لازم معمول گردد.»^(۲۴) همچنین، گزارش لشکر ۲۸ به نقل از یکی از منابع قابل اعتماد خود، حاکی است: «ضدانقلابیون از آبادی‌های سقز سلاح‌های سنگین جهت حمله در یکی از روزهای آینده به پاسگاه‌های این پادگان، کار گذاشته‌اند و قرار است تعدادی از افراد خود را وارد شهر نموده که به پادگان سقز حمله نمایند.»^(۲۵)

از سوی دیگر، امروز اخبار متعددی از تجمعات این گروه‌ها و نیز ملاقات‌هایی میان مسئولان گروه‌های ضدانقلاب گزارش شده که حاکی از طرح‌ریزی توطئه‌های تازه و مشترک سران فراری ارتش، رژیم عراق و مسئولان این گروه‌ها در مناطق حساس مهاباد و شهرها و بخش‌های اطراف آن است. از جمله، گزارش ستاد مشترک ارتش حاکی است که امروز «در

ساعت ۱۸ الی ۱۹، سپهد فراری صیادیان با نماینده دکتر بقایی و آرشام، رئیس سابق [ساواک] کرمان، در منطقه حاجی عمران (عراق) ملاقات داشته است.» همین گزارش می‌افزاید: امروز دکتر افشار با سنار مامدی ملاقات داشته است.^(۲۶) یک گزارش دیگر از منابع اطلاعاتی ارتش نیز حاکی است امروز «تعداد ۷۰۰ نفر مسلح به سلاح‌های مختلف سبک و سنگین از جمله خمپاره‌انداز و چند توپ که به وسیله قاطر حمل می‌شده از برده رشه پشت کردستان به سمت منطقه قروه حرکت نموده‌اند. این عده قصد دارند در نقاط حساس و مرتفع قروه مستقر گردند. گروه مسلح مزبور قصد دارند پس از خاتمه جمع‌آوری محصول گندم وسیله کشاورزان محل، نیروهای نظامی و پاسدار را مورد تهاجم قرار دهند.»^(۲۷) همچنین، مشاهده حدود ۶۰ نفر از پیشمرگان جلال طالبانی در آبادی‌های بایوه و باشماق و حدود ۳۰ نفر دیگر از افراد مسلح در آبادی‌های قلعه‌جی و قلعه‌گاه در روی محور پادگان مریوان به سنج‌گزارش شده است.^(۲۸)

۳۳۶

درحالی‌که خبرها و گزارش‌های چند روز اخیر حاکی از آماده‌شدن سپاه و ارتش برای حمله به شهر مهاباد و پاک‌سازی آن از گروه‌های مسلح ضدانقلاب است و از سوی دیگر گروه‌های مسلح غیرقانونی نیز در روزهای اخیر مبادرت به انتقال افراد و تجهیزات به این شهر کرده‌اند تا در مقابل حمله نیروهای خودی مقاومت کنند، امروز مسئولان شهر مهاباد و سران گروه‌های نظامی معارض با نظام هریک به نوبه خود سعی در حفظ و کنترل شهر و به تعویق‌انداختن بحران پیش رو دارند.

در این مورد گزارش نیروی زمینی ارتش حاکی است امروز «اطلاعیه مشترکی توسط حزب دمکرات و چریک‌های فدایی خلق در شهرستان مهاباد منتشر شد و در آن آمده است که هیچ‌یک از گروه‌های سیاسی با اسلحه حق ورود به شهر را ندارند و در صورت مشاهده، بلافاصله توسط مقامات مسئول (شهربانی و اهالی) بازداشت و برابر مقررات با آنان رفتار خواهد شد. ضمناً اضافه گردیده که گروه‌های سیاسی موقع ورود به شهر اسلحه خود را به نزدیک‌ترین قرارگاهی که در خارج شهر می‌باشد، تحویل دهند.»

در این گزارش همچنین آمده است امروز «اطلاعیه‌ای توسط شورای شهر [مهاباد] منتشر شد و در آن چنین آمده است: الف) ارتش و پاسداران در شهر دخالت نخواهند کرد. ب) هیچ‌یک از افراد، گروه‌ها و اهالی حق تردد در شهر را با اسلحه ندارند. ج) امنیت شهر به عهده شهربانی می‌باشد. د) وضع شهر آرام است و مردم به زندگی عادی خود ادامه می‌دهند.»^(۲۹)

امروز همچنین ۱۴ نفر از نمایندگان مردم مهاباد درباره مسائل مختلف این شهر با حسین طاهری استاندار آذربایجان غربی، ملاقات و گفت‌وگو کردند. طاهری درخصوص این ملاقات گفت: «قرار بود در ۳۱ مردادماه، یگان‌های ارتش در داخل شهر مهاباد شروع به گشت کرده و کنترل شهر را برعهده بگیرند و نیز باتوجه به محدودیت‌هایی که اخیراً ایجاد شده، و اطلاعیه‌هایی

که استانداری صادر کرده بود، گفت و گوهایی با نمایندگان اعزامی مهاباد به عمل آمد و آنها خواستار تمدید این مهلت شدند. وی افزود: «در این ملاقات با درخواست نمایندگان مردم مهاباد موافقت شد و قرار شد این مهلت تا روز دوشنبه سوم شهریورماه جاری، تمدید شود.»^(۳۰)

در همین حال، حجت الاسلام حسینی، امام جمعه ارومیه، در خطبه‌های امروز نماز جمعه این شهر درباره وضعیت امنیتی منطقه و گروه‌های مسلح ضدانقلاب چنین گفت: «از زمانی که در حزب دمکرات کردستان انشعاب به وجود آمده، قاسملو عامل سیای امریکا و [غنی] بلوریان عامل شوروی در منطقه شده‌اند.» وی افزود: «عوامل مسلح طالبانی، قاضیه [قاضی شیخ] عزالدین و قاسملو و بلوریان در داخل و خارج مرز علیه انقلاب اسلامی توطئه می‌کنند.» وی آن‌گاه با اشاره به کمک‌های مالی عربستان سعودی، روسیه و عراق برای ایجاد بلوا در ایران، از مردم خواست که با قاطعیت در مقابل ضدانقلاب بایستند.^(۳۱)

۳۳۷

تقریباً همه‌روزه گزارش‌هایی از برخوردهای خیابانی و درگیری‌های هواداران گروه‌های سیاسی چپ و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) با مردم، که اغلب ناشی از تحریک، تندروی، زیاده‌خواهی و سهم‌طلبی گروه‌های مزبور بوده و با هدف زمینه‌چینی برای ایجاد هرج و مرج و نهایتاً براندازی یا تغییر نظام صورت می‌گیرد و بالتبع خشم مردم از این مواضع را در پی دارد، در مطبوعات رسمی و نشریات گروه‌های مزبور به چشم می‌خورد. ازجمله این موارد - که تاحدودی منبعث از شرایط گذار از انقلاب به نظام پایداری سیاسی است - حادثه مربوط به صومعه‌سرا است؛ به گزارش خبرنگار روزنامه انقلاب اسلامی:

«به‌دنبال پاک‌سازی کامل شهر صومعه‌سرا از پرده‌ها و پوستره‌های سازمان‌ها و گروه‌ها و نصب دوباره این پرده‌ها توسط هواداران مجاهدین خلق [منافقین]، امروز عده‌ای از مردم صومعه‌سرا پس از اقامه نماز جماعت در مسجد جعفری این شهر با راه‌پیمایی و دادن شعارهایی نظیر "حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله" و "مرگ بر منافقین" به‌سوی میدان شهر به حرکت درآمدند. راه‌پیمایان پس از گذشتن از چند خیابان و با شعار "سکوت هر مسلمان خیانت است به قرآن"، به طرف تنها پرده نصب‌شده در شهر که متعلق به سازمان مجاهدین خلق [منافقین] بود، رفته و علی‌رغم مقاومت هواداران این سازمان که با شعار "مرگ بر ارتجاع" نیز همراه بود، این پرده را پاره و آن را پایین کشیدند.»^(۳۲)

لازم به یادآوری است که روز گذشته نیز یکی از اعضای این سازمان با کیفی حاوی پول و مدارک در ایست بازرسی اراک - قم دستگیر شد. گزارش روزنامه جمهوری اسلامی در این زمینه چنین است: «روز پنجشنبه در جاده اراک - قم، تشکیل‌دهنده سازمان مجاهدین خلق شاخه اراک و عامل درگیری شدید اراک که ۲۰۰ زخمی به جای گذاشت، توسط برادران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم دستگیر شد. ...»^(۳۳) گزارش خبرنگار کیهان نیز در همین مورد حاکی است: «ابوالقاسم توکلی عضو سازمان

مجاهدین خلق [منافقین] در بازرسی اتومبیل‌های جاده قم - اراک توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قم دستگیر شد. از وی مبلغ ۸ میلیون ریال وجه نقد و برگ اعانه کمک به مجاهدین خلق به دست آمد. پس از انتقال به مقر سپاه در بازرسی از کیف دستی او در جاسازی کیف، اسناد و مدارک زیادی درمورد سپاه پاسداران، انجمن اسلامی دانشگاه علوم اراک و انجمن اسلامی بازار کشف شد. ...»^(۳۴)

ضمیمه گزارش ۳۳۳: گزارش خبرگزاری پارس از تاریخچه وضعیت گروه‌های سیاسی در آبادان بعد از انقلاب تا حدود چهار ماه و نیم پس از شروع جنگ تحمیلی

«کشف توطئه‌های ضدانقلاب - با کشف شبکه‌ای از هواداران سازمان پیکار در آبادان که به فعالیت‌های غیرقانونی و احتمالاً دادن اطلاعات نظامی به مزدوران بعثی مشغول بودند، به گفته مقامات مسئول ابعاد توطئه ضدخلقی این گروه‌ها آشکار شد. گروهی از هواداران پیکار که متأسفانه در میان آنان پزشک و کارمند ارشد شرکت نفت نیز وجود دارد با بهره‌گیری از مدرن‌ترین تجهیزات مخابراتی، اطلاعات نظامی جبهه‌های جنگ را دریافت و در اختیار دشمن قرار می‌دادند. کشف چنین شبکه‌ای آن هم در شرایط خاص فعلی که اگر کوچک‌ترین گزارش نظامی از این کانال به دشمن برسد می‌تواند در سرنوشت یک ملتی تأثیر بگذارد و برای نظام نوپای جمهوری اسلامی فاجعه‌ای دردناک‌تر از تهاجم همه‌جانبه دشمنان باشد، بسیار قابل توجه است. عظمت فاجعه از این جهت است که دشمن بیرونی به مرزهای خاکیمان تجاوز می‌کند و چون دشمن است بنابراین حرجی متوجه او نیست؛ لیکن حضور چنین گروه‌هایی در میان جامعه که از نعمات و آزادی‌های فردی و اجتماعی آن برخوردارند و در یک برهه‌ای از زمان صرف‌نظر از تضاد عقیدتی باید به حال آن جامعه مفید باشند، علیه آن به توطئه‌گری مشغول می‌شوند، قهرآ از دشمن اصلی خطرناک‌ترند. با بررسی شرایط اجتماعی و سیاسی آبادان بعد از پیروزی انقلاب متوجه می‌شویم که این گروه‌ها در هر زمان برای این شهر و مردم آن مسئله‌ساز بوده‌اند. نخستین برخورد این گروه با مردم در شهر آبادان درست در شرایطی بود که تنها کمتر از دو ماه از پیروزی انقلاب می‌گذشت. در آن زمان نه مجلسی بود، نه دولت ثابت، نه قانون اساسی و نه رئیس‌جمهوری. کشور در شرایط انتزاع از یک نظام فاسد و ریشه‌دار به‌سوی یک نظام عدل بود. در چنین شرایطی که تنها پیام‌های رهبر انقلاب مشعر بر ضرورت حفظ وحدت و اجتناب از تفرقه‌افکنی بود که جامعه از بند استبداد رسته ما را رهنمود می‌ساخت، گروه‌های سیاسی توطئه‌های خود را در آبادان آغاز کردند. در اوایل فروردین ۵۷ بود که گروهی از هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران با در دست داشتن پلاکاردهایی و دادن شعارهایی تحت‌عنوان بیکاری [حمایت از دیپلمه‌های بیکار]، نخست سازمان آموزش و پرورش و سپس ساختمان شهرداری را به اشغال خود درآوردند. حدود ۱۲ روز از تحصن این گروه گذشت.^{*} در خلال این مدت چه بسیار مقامات مسئول، معتمدین محل و مردم مسلمان با آنان برای برآوردن خواسته‌هایشان به گفت‌وگو نشستند، لیکن مؤثر واقع نشد و به تحصن و اشغال ساختمان شهرداری ادامه دادند. سرانجام مردم از تحریکات و اطلاعیه‌های آن‌چنانی آنان به تنگ آمدند و با توسل به قوه قهریه آنان را از شهرداری بیرون راندند که در جریان آن، چند نفری از هر دو طرف مجروح شدند. در این میان ۴۴ تن دیگر از هواداران این سازمان کتابخانه عمومی شهر را به تصرف درآورده و مبادرت به فعالیت سیاسی - نظامی کردند. اختراهای مکرر دادگاه انقلاب و مقامات ذی‌صلاح مؤثر واقع نشد و مردم رأساً اقدام کردند و ساختمان را از اشغال آنان درآوردند که در جریان منازعه دو گروه عده‌ای از مردم بر اثر پرتاب سنگ اینان مجروح شدند. از این ۴۴ نفر، تعدادی اسلحه و نارنجک دستی به دست آمد و پس از مدتی بازداشت، آزاد شدند. این وضع ادامه داشت. هرروز به‌بهانه‌ای، تحصن، راه‌پیمایی و اعتصاب می‌کردند و جایی را به اشغال خود

* تحصن این گروه حدود چندصد نفری، در ساختمان شهرداری آبادان همراه با اعتصاب غذا بود. اما در بررسی امر توسط نگارنده، اغذیه‌فروشی روبه‌روی شهرداری در آن زمان، به اینجانب گفت که آنها روزی ۲۰۰۰ ساندویچ از مغازه من خریداری می‌کنند. (براساس حضور میدانی و اطلاعات نگارنده)

درمی‌آوردند. جالب اینجا بود که این گروه‌ها از عدم‌قاطعیت مسئولین سوءاستفاده کرده و به نصب شعارهای پارچه‌ای در معابر و نام‌گذاری شهر آبادان به نام "مسکو" و "جمهوری دمکراتیک خلق آبادان"^{*} پرداختند. فعالیت این گروه‌ها و تبلیغات مسموم‌کننده آنان رفته‌رفته گسترش یافت به گونه‌ای که هر شخصی که وارد آبادان می‌شد با خواندن شعارهایی که بر دیوارهای شهر نوشته شده بود، تصور می‌کرد به شهری در کشورهای آهنین وارد شده

* در آبادان گروه‌های چپ بسیاری ازجمله سازمان چریک‌های فدایی خلق، پیکار در راه آزادی طبقه کارگر موسوم به "پیکار"، اتحادیه کمونیست‌ها، حزب توده و رنجبران (مانوئیست‌ها) و چند گروه کوچک دیگر فعالیت می‌کردند، اما برخلاف گزارش خبرگزاری پارس، هیچ‌گاه این گروه‌ها به خود جرئت ندادند که شهر آبادان را "مسکو" یا "جمهوری دمکراتیک خلق آبادان" بنامند. ماجرا از این قرار بود که فعالیت این گروه‌ها فوق تصور بود؛ یعنی تقریباً اکثر در و دیوارهای شهر و حتی کوچه‌ها و خیابان‌ها و حتی کف خیابان‌ها پر بود از شعارهای جورواجور کمونیستی و پلاکاردها و آرم‌های گوناگون؛ به‌طوری‌که اگر یک ناظر بیرونی، که خبر از وضعیت آبادان نداشت، وارد این شهر می‌شد تصور می‌کرد که به یکی از شهرهای بلوک شرق مثل لنینگراد یا مسکو قدم گذاشته است. نکته جالب و درخور تأمل این است که وقتی گروه تحقیقات و اطلاعات سپاه به کمک برخی عوامل نفوذی خود به داخل این گروه‌ها راه یافت، به نکات جالب و تعجب‌برانگیزی رسید؛ ازجمله اینکه تعداد افراد فعال و اصلی برخی از این گروه‌ها از تعداد انگشتان یک یا دو دست تجاوز نمی‌کرد، اما با فعالیت شبانه‌روزی (و بیشتر شبانه) و بسیار زیاد موفق شدند جو شهر را دگرگون جلوه دهند. مثلاً تعداد افراد اصلی اتحادیه کمونیست‌ها حدود ۱۱ نفر بود، افراد اصلی چریک‌های فدایی خلق نیز بیشتر از ۱۰ نفر نبودند، حزب رنجبران ۵ نفر بیشتر نبودند، پیکاری‌ها هم همین تعداد بودند، اما امکانات وسیعی در دست داشتند و از بهترین و گران‌قیمت‌ترین رنگ‌ها و پارچه‌ها برای شعارنویسی استفاده می‌کردند. بهترین و گران‌ترین کاغذ را برای اعلامیه‌ها و نشریات خود استفاده می‌کردند. البته گروه‌های مذهبی شهر هم بیکار نبودند، و بخش زیادی از توان خود را صرف پاک کردن و یا خراب‌نمودن شعارهای این گروه‌ها می‌کردند. گروه‌های مزبور، شبانه می‌نوشتند و پلاکارد نصب می‌کردند، و افراد حزب‌اللهی صبح همه را خراب می‌کردند. مثلاً اگر روی دیوار نوشته شده بود: «هفته‌نامه کار را بخوانید» توصیه ما به بچه‌های مذهبی شهر این بود که شعار آنها را با رنگ پاک نکنید، چراکه به مظلوم‌نمایی آنها کمک می‌کند، بلکه در کنار «هفته‌نامه کار را بخوانید» بنویسید: «و بخندید» و یا اگر می‌نوشتند: «برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق ایران» به‌جای پاک کردن، تنها یک آرم بزرگ "صلیب شکسته" که علامت "فاشیسم" است، رویش می‌کشیدند. این نوع از مقابله تبلیغاتی بسیار هم تأثیرگذار بود و رفته‌رفته تعداد شعارنویسی‌ها کاهش محسوسی یافت. حزب توده هم به‌دلیل خیانت‌های خود در دوران دکتر مصدق، جایگاه چندان مقبولی در میان مردم نداشت و تنها برخی توده‌نفتی‌های قدیمی شرکت نفت، هنوز سنگ آن را به سینه می‌زدند، معمولاً یکی از شعارهای رایج حزب توده این بود: «حزب توده در خط امام» که به نیروهای مذهبی توصیه می‌شد به جای کندن پلاکاردهای آنها، پلاکارد دیگری در کنارش بگذارند و رویش بنویسند: «حزب توده، ۵۰ متر جلوتر از خط امام». به‌هرحال، این گونه برخوردهای مقابله‌ای و تبلیغاتی طنزآمیز و هجوگونه کم‌کم در میان جوانان و نیروهای مذهبی، که بعضاً راه و چاه مقابله را نمی‌دانستند و به برخوردهای قهرآمیز و درگیری فیزیکی و لفظی متوسل می‌شدند، جا افتاد و بسیار تأثیرگذار بود. همچنین، در مقابله با تبلیغات شفاهی این گروه‌ها و به‌ویژه جنبش مجاهدین خلق (منافقین)، بچه‌های مذهبی شهر شروع کردند به آموزش عقیدتی و حتی خواندن کتاب‌های آنها؛ ازجمله خواندن خط به خط "مانیفست جورج پولیژر" و "کاپیتال" "مارکس" و کتاب‌های انگلس و لنین و دیگر ایدئولوگ‌های مارکسیست، گوش دادن نوارهای "شناخت مارکسیسم" استاد مطهری و نوارهای "شناخت" دکتر بهشتی و بهزاد نبوی و خواندن کتاب سه جلدی درس‌هایی درباره مارکسیسم جلال‌الدین فارسی، تا بتوانند با عوامل باسواد این گروه‌ها که اغلب از دانشجویان کنفدراسیون اروپا و امریکا بودند که به آبادان آمده بودند، مقابله کنند. مشکل اصلی بچه‌های مذهبی در خط انقلاب، رویارویی با هواداران مجاهدین خلق (منافقین) بود؛ چراکه آنها خیلی اهل مباحثه نبودند و به‌جای آن به تحریک و ایجاد درگیری و بعد هم مظلوم‌نمایی و جذب هواداران بیشتر مبادرت می‌ورزیدند. جلوگیری از این درگیری‌ها نیز اغلب اجتناب‌ناپذیر بود. (براساس حضور میدانی و اطلاعات نگارنده)

است. برخوردهای این گروه‌ها با مردم ابعاد وسیع‌تری می‌یافت و اختطاهای مکرر امام‌جمعه این شهر، روحانیون و ارگان‌های انقلابی بی‌اثر بود. شهر آبادان حداقل هر هفته شاهد یک درگیری خیابانی بین مردم و این گروه‌ها بود. به‌عنوان مثال، تحصن ۱۰۵ روزه بازماندگان سینما رکس در محل اداره دارایی، بهانه خوبی به دست این گروه‌ها برای به‌اصطلاح پشتیبانی از بازماندگان متحصنین در اداره دارایی داد. هر روز به‌عنوان پشتیبانی از بازماندگان سینما رکس راه‌پیمایی می‌کردند و در جریان برخوردهایی که پیش می‌آمد تعدادی مجروح می‌شدند و در یک مورد جوان ۱۸ ساله‌ای به نام جاسم بنی‌رشید [در روز ۱۳۵۹/۵/۳۰] شهید شد. این وضع ادامه داشت. این گروه‌ها کار را به آنجا رساندند که دو نوجوان آبادانی را که یک شب شعارهای کمونیستی را از دیوارها پاک می‌کردند، گرفته و مدت ۲۴ ساعت در توالی یکی از خانه‌های تیمی خود حبس کردند. از این نوع و نمونه‌ها زیاد می‌توان ذکر کرد.*

به هر تقدیر، فعالیت گروه‌ها به علت نبودن ضابطه خاصی برای تعیین میزان آزادی احزاب و گروه‌ها ادامه یافت تا آغاز جنگ تحمیلی عراق به ایران. در این شرایط خاص که شهر آبادان یکباره از سوی دشمن از زمین و هوا مورد حمله قرار گرفت، دست از فعالیت ضد مردمی خود برداشتند. نخستین گروهی که در اوایل جنگ در جبهه خرمشهر به اتهام دادن اطلاعات نظامی به مزدوران عراقی دستگیر شدند، ۹ تن از گروه‌های مارکسیستی بودند که هریک دو تا ده سال به زندان محکوم شدند. دومین گروه ۶۸ تن از هواداران مجاهدین خلق [منافقین] بودند که گویا در همین زمینه فعالیت‌هایی در آبادان داشته، دستگیر و تحویل دادگاه شدند. سومین دسته در جبهه آبادان مرکب از ۱۵ نفر از هواداران سازمان‌های مارکسیستی بودند که تعدادی سلاح را که توسط رزمندگان دلاور از ارتش عراق به غنیمت گرفته شده بود، سرقت کردند که دستگیر و تحویل دادگاه انقلاب شدند و سرانجام گروه ۷ نفره "پیشگام" که با تعدادی سلاح قصد خروج از آبادان را داشتند که دستگیر [شدند] و آخرین مورد هفته گذشته [اوایل دی‌ماه ۱۳۵۹] بود که گروهی مرکب از ۱۷ تن از هواداران "پیکار" بودند که با مقداری وسایل مخرباتی و اسلحه و اعلامیه دستگیر شدند.* هر چند که کشف و دستگیری این گروه‌ها حکایت از هوشیاری و حضور بالقوه مردم در صحنه سیاسی دارد، لیکن رسیدگی عاجل به وضعیت این عده و ادامه یا عدم ادامه فعالیت این گروه‌ها، خاصه در آبادان ضرورت تام دارد. سخن آخر اینکه در نماز جمعه دیروز آبادان، فرمانده سپاه و امام‌جمعه آبادان از دولت مصرانه خواستند که نسبت به روشن کردن وضعیت این گروه‌ها هر چه زودتر اقدام کنند.^(۲۵)

* از جمله در موارد مشابه دیگری، با برس رنگ روی صورت افرادی را که مبادرت به پاک کردن شعارها می‌کردند، رنگ‌آمیزی کرده و پس از زدن کتک مفصل، آنها را رها می‌ساختند.

** در همان ایام (اوایل دی‌ماه ۱۳۵۹) زمانی که نگارنده با دو تن دیگر از نیروها، از خط مقدم برای آوردن غذا به داخل شهر آمده بودیم، در راه بازگشت با دخترخانمی مواجه شدیم که کنار لوله‌های نفت ظاهراً به دنبال چیزی می‌گشت. پس از پرس‌وجو از وی، اظهار کرد که همراه مادرش برای بردن اسباب و اثاثیه خانه‌شان از ماهشهر به آبادان آمده است. حکم ورود به آبادان با مهر ستاد فرمانداری آبادان مستقر در ماهشهر را نیز نشانمان داد. وقتی که از وی خواستیم که کیف دستی‌اش را به ما نشان دهد، ترسید و ناگهان شروع کرد به دويدن. من هم بدون اسلحه به دنبالش دويدم و درحالی که نمی‌دانستم چگونه او را بگیرم، به او پشت پا زدم و او بر زمین افتاد. در بازدید از کیف دستی این دختر خانم - که حجاب درستی هم نداشت - یک نقشه کالک از آبادان با نقاطی که روی آنها علامت ضربدر خورده بود و یک بی‌سیم دستی و یک کلت کمری پیدا کردم. وقتی که به بررسی دقیق نقشه پرداختم، با نگاهی به اطراف، چشمم به پدافند روی استادیوم افتاد. به نقشه که نگاه کردم دیدم همان‌جا و جاهای دیگری که مقر پدافندهای ارتش بوده، همگی علامت‌گذاری شده است. دخترک را به مقر سپاه بردیم و تحویل نیروهای تحقیقات سپاه آبادان دادیم. بعداً فهمیدم آن بی‌سیم که در کیف دستی وی یافت شد، برد بسیار زیادی داشته و وی بدین طریق با نیروهای عراقی در ارتباط بوده است. وی عضو یکی از گروه‌های مارکسیستی بود.

منابع و مآخذ روزنامه ۱۳۵۹/۵/۳۱

۱. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۶/۲، ص ۲، گزارش خبرنگار کیهان از قصر شیرین.
۲. سند شماره ۵۶۰۷۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سپاه (مرکز فرماندهی) به سپاه کرمانشاه و سنندج، ۱۳۵۹/۵/۳۱، برابر خبر واصله از استاندار سنندج.
۳. سند شماره ۵۶۰۷۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سپاه (مرکز فرماندهی) به سپاه کرمانشاه، ۱۳۵۹/۵/۳۱؛ و - سند شماره ۳۸۸۰۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سپاه (مرکز فرماندهی) به سپاه اهواز، ۱۳۵۹/۵/۳۱.
۴. سند شماره ۴۳۲۷۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) به نزاجا (معاونت عملیات و اطلاعات)، ۱۳۵۹/۶/۱، برابر اعلام ژاندارمری آبادان مستند به گزارش پاسگاه بهمن شیر، ۱۳۵۹/۵/۳۱.
۵. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۴، ص ۲، خبرنگار/انقلاب اسلامی از آبادان.
۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۱، ص ۴، به نقل از خبرگزاری پارس از آبادان، ۱۳۵۹/۵/۳۱.
۷. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۵۷، تاریخ ۱۳۵۹/۶/۱، ص ۲، اهواز - خبرگزاری پارس، ۱۳۵۹/۵/۳۱.
۸. همان، ص ۱، اهواز - خبرگزاری پارس، ۱۳۵۹/۵/۳۱.
۹. سند شماره ۴۳۲۷۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سماجا ۳ به نزاجا (مد اطلاعات)، ۱۳۵۹/۶/۱.
۱۰. نامه مردم، شماره ۳۲۴، ۱۳۵۹/۶/۱۲، ص ۵.
۱۱. نامه مردم، شماره ۳۲۵، ۱۳۵۹/۶/۱۳، ص ۳.
۱۲. سند شماره ۵۶۰۷۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (نقده)، ص ۸۴ از سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) به نزاجا (معاونت عملیات و اطلاعات)، ۱۳۵۹/۵/۳۱.
۱۳. سند شماره ۴۳۲۵۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (تکاب)، ص ۹۲، از سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) به نزاجا، ۱۳۵۹/۶/۲؛ و - سند شماره ۴۰۹۲۷۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (تکاب)، ص ۹۳، بولتن خبری مرکز فرماندهی (عملیات سپاه)، ۱۳۵۹/۶/۲، ص ۱.
۱۴. سند شماره ۵۶۰۷۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سپاه (مرکز فرماندهی) به سپاه (کرمانشاه)، ۱۳۵۹/۵/۳۱.
۱۵. سند شماره ۵۶۰۳۹ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از فرمانده سپاه ارومیه به فرمانده سپاه مرکز، ۱۳۵۹/۵/۳۱.
۱۶. سند شماره ۴۳۲۵۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (مریوان)، جلد ۱، ص ۱۶۶، از سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) به نزاجا، ۱۳۵۹/۶/۲، برابر اعلام نزاجا به استناد گزارش لشکر ۲۸؛ و - سند شماره ۴۰۹۲۷۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (مریوان)، جلد ۱، ص ۱۷۰، بولتن خبری مرکز فرماندهی (عملیات سپاه)، ۱۳۵۹/۶/۲، ص ۱.
۱۷. سند شماره ۵۶۰۹۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (جوانرود)، ص ۶۲، از سپاه (مرکز فرماندهی) به سماجا ۳ (مرکز فرماندهی)، ۱۳۵۹/۵/۳۱.
۱۸. روزنامه کیهان ۱۳۵۹/۶/۲، ص ۲، خبرنگار کیهان در مصاحبه با فرماندار اورامانات.
۱۹. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۲، ص ۴، خبرنگار جمهوری اسلامی از کرمانشاه.
۲۰. سند شماره ۵۶۰۹۱ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سپاه (مرکز فرماندهی) به سماجا ۳ (مرکز فرماندهی)، ۱۳۵۹/۵/۳۱.
۲۱. سند شماره ۴۳۲۷۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سپاه (مرکز فرماندهی) به سماجا ۳ (مرکز فرماندهی)، ۱۳۵۹/۵/۳۱.
۲۲. سند شماره ۵۶۰۸۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سپاه غرب به سپاه (مرکز فرماندهی)، ۱۳۵۹/۵/۳۱.
۲۳. سند شماره ۴۳۲۶۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (کردستان)، جلد ۱، ص ۲۴۱، از سماجا ۳ (عملیات) به سماجا ۳ (سیسج و آمادگی ملی)، ۱۳۵۹/۶/۱.
۲۴. سند شماره ۴۳۲۶۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (ارومیه)، ص ۱۵۶، از سماجا ۳ (عملیات) به خبرنگاران، ۱۳۵۹/۵/۳۱.
۲۵. سند شماره ۴۰۹۲۷۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (ازگلش)، ص ۲۰۹، بولتن خبری مرکز فرماندهی (عملیات سپاه)، ص ۱، ۱۳۵۹/۵/۳۱.
۲۶. سند شماره ۴۳۲۵۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (کردستان)، جلد ۱، ص ۲۴۷، از سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) به نزاجا، ۱۳۵۹/۶/۲.
۲۷. سند شماره ۵۶۰۷۰۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (قروه)، ص ۳۷۲، از ستاد مشترک (اداره دوم - حفاظت عملیات) به ستاد عملیات غرب، ۱۳۵۹/۶/۲۹.
۲۸. سند شماره ۴۳۲۵۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین؛ و - سند شماره ۴۰۹۲۷۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (مریوان)، جلد ۱، ص ۱۷۰، بولتن خبری مرکز فرماندهی (عملیات سپاه)، ۱۳۵۹/۶/۲، ص ۱؛ و - سند شماره ۴۳۱۸۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (مریوان)، جلد ۱، ص ۱۷۱، از سپاه (مرکز فرماندهی) به سپاه سنندج، ۱۳۵۹/۶/۳.
۲۹. سند شماره ۴۳۲۸۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سماجا ۳ (مرکز فرماندهی) به نزاجا، ۱۳۵۹/۶/۱، برابر اعلام نزاجا؛ و - سند شماره ۴۰۹۲۸۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (کردستان)، جلد ۱، ص ۲۴۳، بولتن خبری مرکز فرماندهی (عملیات سپاه)، ۱۳۵۹/۶/۱، ص ۱.
۳۰. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۲، ص ۱۱؛ و - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۲، ص ۴، هر دو به نقل از خبرگزاری پارس از ارومیه، مصاحبه خبرگزاری پارس با استاندار آذربایجان غربی.
۳۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۲، ص ۵.
۳۲. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۱، ص ۱۴، خبرنگار/انقلاب اسلامی از صومعه سرا.
۳۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۳، ص ۱، خبرنگار جمهوری اسلامی از قم.
۳۴. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۶/۲، ص ۱۳، خبرنگار کیهان از قم.
۳۵. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۲۹۰، تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۴، صص ۵، ۲، آبادان - خبرگزاری پارس، ۱۳۵۹/۱۰/۱۳.